

بررسی عوامل نزاع دسته جمعی و راههای پیشگیری از آن (مطالعه موردی: شهرستان کرمانشاه سال ۱۳۹۶)

آیت الله پرویزی فرد^۱، سحر امیری^۲

^۱ استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کنگاور (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کنگاور

چکیده

نزاع و درگیری یکی از مصادیق خشونت در جوامع بوده پدیده‌ای اجتماعی است که در تمام دوره‌ها کم و بیش دیده می‌شود. در گذشته این پدیده عامل ماندگاری بسیاری از انسان‌ها، جوامع، تمدن‌ها و فرهنگ‌ها بوده است. این مسئله و چگونگی استفاده از آن در گذشته در مسائلی چون دفاع از آب، خاک، حیثیت، فرهنگ و تمدن و غیرت و حمیت مطرح بوده است. امروزه نزاع دسته‌جمعی یکی از شاخص‌های مهم وجود خشونت در جامعه تلقی می‌شود که بین افراد به وقوع می‌پیوندد و همه ساله براساس آمار و اخبار، تعدادی قربانی می‌گیرد. روش تحقیق در این پژوهش از نوع روش پیمایشی با استفاده از پرسشنامه بوده و جزء تحقیقات کاربردی محسوب می‌گردد. نمونه آماری این پژوهش برابر ۱۰۰ نفر از پرسنل قضایی، کارشناسان پلیس در شهرستان کرمانشاه بوده که در این پژوهش به سئوالات پرسشنامه پاسخ داده اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که: عوامل امنیتی-انتظامی، عوامل قانون، عوامل فرهنگی و عوامل اجتماعی به ترتیب از عوامل موثر بر نزاع‌های دسته‌جمعی می‌باشند.

واژه‌های کلیدی: نزاع، نزاع دسته‌جمعی، شهرستان کرمانشاه.

مقدمه

نزاع و درگیری یکی از مصادیق خشونت در جوامع بوده و پدیده‌های اجتماعی است که در تمام دوره‌ها کم و بیش دیده می‌شود. در گذشته این پدیده عامل ماندگاری بسیاری از انسانها، جوامع، تمدن‌ها و فرهنگ‌ها بوده است. این مسئله و چگونگی استفاده از آن در گذشته در مسائلی چون دفاع از آب، خاک، حیثیت، فرهنگ و تمدن و غیرت و حمیت مطرح بوده است. پدیده نزاع و درگیری در جامعه از آن دسته آسیب‌هایی است که با ایجاد اختلال در روابط اجتماعی، فضایی آکنده از بغض، کینه و دشمنی را در میان افراد به وجود می‌آورد که این امر، با زمینه‌سازی برای ایجاد نزاع و تنش‌های بعدی، جامعه را از نظر مادی و معنوی متضرر می‌سازد. این پدیده در کشور ما که دارای بافت جمعیتی چند قومیتی می‌باشد به عنوان پدیده‌ای مسأله ساز ظاهر می‌شود. پدیده نزاع جمعی در مناطقی از کشور که به شدت متأثر از ارزش‌های سنتی و طایفه‌ای خود می‌باشند و گرایش و پایبندی کمتری نسبت به قانون دارند، بیشتر مشهود است. از سوی دیگر، متأسفانه هنوز خشونت و نزاع از جمله موضوعاتی است که در فرهنگ بعضی هموطنان، شاخص قدرت و یا دفاع از منزلت اجتماعی و فرهنگی و حیثیت خانوادگی محسوب می‌شود. (چلبی، ۱۳۷۳: ۲۵)

امروزه نزاع دسته جمعی یکی از شاخص‌های مهم وجود خشونت در جامعه تلقی می‌شود که بین افراد به وقوع می‌پیوندد و همه ساله بر اساس آمار و اخبار، تعدادی قربانی می‌گیرد. بنا به گفته رئیس پلیس پیشگیری ناجا، بیشترین آمار نزاع دسته جمعی در سال ۸۹ در سه استان کهگیلویه و بویر احمد، چهارمحال بختیاری و خوزستان اختصاص دارد. همچنین او از تشکیل ۲۸۰۰ پرونده نزاع دسته جمعی در این سال خبر داد. نیروی انتظامی با انتشار گزارشی از خلاصه وضعیت جرایم جنایی کشور بیان کرد: بیشترین انگیزه قتل‌هایی که با سلاح سرد رخ داده، مربوط به نزاع و اختلافات قبلی بوده است. نیروی انتظامی درباره سهم وقوع قتل با سلاح سرد اعلام کرد: از سال ۸۰ تا پایان سال ۸۹ سهم وقوع قتل با سلاح سرد به نسبت کل قتل‌های صورت گرفته در نوسان بوده و در مقایسه با سال ۸۰ با رشد ۶/۶ درصدی در سال گذشته ۴۴/۳ درصد از قتل‌ها به وسیله سلاح سرد به وقوع پیوسته است. بنابر گزارش پلیس، سوابق موجود نشان می‌دهد؛ در قتل‌هایی که با سلاح سرد رخ داده بیشترین انگیزه مربوط به نزاع و اختلافات قبلی بوده است. به طوری که در سال ۸۹، چهارصد فقره از قتل‌هایی که با سلاح سرد رخ داده است با انگیزه نزاع و اختلافات قبلی بوده و در تحقیق از متهمان این پرونده‌ها مشخص شده که بر حسب عادت و بدون توجه به پیامدها و عواقب استفاده از چاقو، این افراد اقدام به حمل آن کرده و در درگیری و نزاع برای ترساندن یا دفاع از خود در برابر مهاجم از چاقوی همراه خود استفاده کردند (پیام استان سمنان / ۱۳۹۰). بر اساس آمار و ارقام در سال ۱۳۸۰ در دادگاه‌های عمومی سراسر کشور، روزانه به حدود ۱۶۲۶ پرونده خشونت رسیدگی شده که معادل بیش از ۲۰۰ پرونده در روز و ۲۵ پرونده در ساعت است. آمار و ارقام ارائه شده قوه قضاییه نشان می‌دهد که از سال ۱۳۷۶ لغایت ۱۳۸۰، استان سمنان با (۸۵۹ پرونده) رتبه دوم را به خود اختصاص داده است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷؛ ۱۱۶). با توجه به آمار نزاع دسته جمعی و میانگین فراوانی آن در سالهای ۱۳۷۶ لغایت ۱۳۸۱، میزان توزیع این پدیده در استان سمنان به ازای هر یکصد هزار نفر به ترتیب سال‌های مذکور برابر با ۷/۲، ۱۵/۷، ۲۶/۱، ۲۲/۳، ۳۰/۹، ۲۹/۲، ۱۵/۴ که دارای میانگین ۲۱ می‌باشد و رتبه سوم را به خود اختصاص داده است (همان منبع: ۱۲۰). طی سالهای ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰، در مجموع ۸۳ مورد نزاع دسته جمعی در سطح شهرستان کرمانشاه ثبت شده است که به ترتیب سالهای مذکور برابر با ۱۳، ۱۱، ۱۱، ۱۵، ۱۳، ۲۰ مورد می‌باشد و بیشترین آمار نزاع دسته جمعی ثبت شده مربوط به سال ۱۳۹۰ و با ۲۰ مورد نزاع می‌باشد، در مجموع نزاع‌های صورت گرفته طی این سال‌ها، ۱۷ نفر کشته و ۲۵۴ نفر مجروح شده‌اند که بیشترین آمار کشته شده‌ها مربوط به سال‌های ۱۳۸۹ - ۱۳۹۰ با تعداد ۴ کشته برای هر سال می‌باشد. در مجموع سالهای ۱۳۸۹ - ۱۳۹۰، ۳۱۹ نفر در نزاع دسته جمعی مشارکت داشته‌اند که طی این مسئله ۹۰ نفر مجروح و دچار صدمه بدنی شده‌اند که بیشترین آمار نزاع و مجروحین مربوط به این دو سال می‌باشد. همچنین بر اساس آمار و ارقام طی سال‌های ۸۵ - ۹۰، در مجموع ۱۹ مورد نزاع دسته جمعی مسلحانه به وقوع پیوسته است که بیشترین وقوع و کشته درگیری جمعی مسلحانه مربوط به سال ۱۳۹۰ با ۱۰ مورد نزاع مسلحانه با سلاح گرم است (مرکز تحقیقات کاربردی نیروی انتظامی شهرستان کرمانشاه، ۱۳۹۰).

نزاع دسته جمعی که یکی از انواع خشونت در جوامع تلقی می شود و علل وقوع آن ممکن است تحت عوامل مختلف باشد که طی وقوع آن بین جمعی از افراد جامعه درگیری فیزیکی به وجود آمده و موجب ضرب و جرح و حتی قتل یک یا چند نفر شود. با توجه به آمار مربوطه در مورد نزاع دسته جمعی که مختصراً مختصراً بیان شد و واقعیتی که ما با آن رو به رو هستیم این سوال مهم پیش می آید که: چرا نزاع های دسته جمعی در شهرستان کرمانشاه زیاد است و هر ساله قربانی می گیرد؟ برای پاسخ دادن به این سوال سعی شده است با استفاده از پارادایم اثبات گرا و ترکیبی از نظریه های یادگیری اجتماعی، کنترل اجتماعی و فشار اجتماعی و نتایج تحقیقات پیشین صورت گرفته پاسخی مناسب ارائه شود. سؤال اساسی این پژوهش آنست که: چه عواملی در نزاع دسته جمعی مؤثر است؟

منازعه (نزاع و درگیری)

منازعه در لغت به معنای مخاصمه و دشمنی کردن دو جانبه آمده و در عرف و اصطلاح، معادل مشارکت در زد و خورد استفاده شده است. (رضاییان، ۱۳۸۹: ۳۳)

عنصر قانونی این جرم در ماده ۶۱۵ قانون مجازات اسلامی بیان شده است:

«هرگاه عده‌ای با یکدیگر منازعه نمایند، هر یک از شرکت کنندگان در نزاع برحسب مورد به مجازات زیر محکوم می‌شوند:

۱- در صورتی که نزاع منتهی به قتل شود، به حبس از یک تا سه سال؛

۲- در صورتی که منتهی به نقص عضو شود، به حبس از شش ماه تا سه سال؛

۳- در صورتی که منتهی به ضرب و جرح شود، به حبس از سه ماه تا یک سال.

تبصره ۱: در صورتی که اقدام شخص، دفاع مشروع تشخیص داده شود، مشمول این ماده نخواهد بود.

تبصره ۲: مجازات‌های فوق مانع اجرای مقررات قصاص یا دیه حسب مورد نخواهد شد.»

براساس ماده مذکور که رکن قانونی این جرم محسوب می‌شود، ارکان مادی و معنوی جرم منازعه را می‌توان بدین صورت تشریح نمود که در مقوله رکن مادی جرم نزاع، عمل مرتکبان، تعداد آنها و نتیجه مورد بررسی قرار می‌گیرد. عمل مرتکبان در جرم منازعه از باب مفاعله به معنای مشارکت آمده است و مشارکت به معنی اقدام متقابل است. بنابراین، اگر چند نفر شخص واحدی را به صورت یک طرفه مورد ضرب و جرح قرار دهند و عمل متقابلی از سوی آن شخص انجام نگیرد منازعه مصداق پیدا نمی‌کند. در خصوص این که تعداد منازعین حداقل چند نفر می‌باید باشد اختلاف نظر وجود دارد؛ یک نظر بر آن است که منظور از کلمه «عده» در متن ماده فوق، سه نفر یا بیشتر است. در این نظریه تعداد هر یک از طرفین نزاع اهمیتی ندارد ولی جمع آنها نباید از سه نفر کمتر باشد. در خصوص نیز باید گفت منازعه جرمی است مقید به نتیجه و نتیجه می‌باید از نوع بدنی، اعم از نقص عضو، قتل و یا ضرب و جرم باشد؛ اما در صورتی که درگیری به نتایج دیگری مانند هتک حیثیت یا آبروی اشخاص یا اخلال در نظم و آسایش عمومی منجر گردد یا مردم را زکسب و کار باز دارد، منازعه مصداق نخواهد داشت، ولی می‌توان مرتکبان را با رعایت ماده ۶۱۸ ق.م.ا محکوم نمود.

از لحاظ رکن معنوی جرم نزاع، می‌توان اذعان داشت که منازعه جرمی است عمدی و رکن معنوی آن با حراز عمد مرتکب به شرکت در نزاع محقق خواهد شد. این جرم اگر چه جرمی است مقید، اما نیازی به احراز سوء نیت خاص مرتکب نیست. به بیان دیگر، اثبات این که مرتکب علاوه بر قصد شرکت در نزاع خواستار نتیجه (قتل، نقص عضو و یا ضرب و جرح) نیز بوده لزومی ندارد، مگر این که مرتکب جنایت، مشخص باشد. بنابراین به طور خلاصه، ورود عمدی و داوطلبانه افراد به ماجرا به قصد نزاع کافی خواهد بود. (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲: ۱۵۵: ماده ۶۱۵)

در تعریف نزاع جمعی آمده است که: نزاع جمعی درگیری‌ای است که حداقل سه نفر در آن شرکت دارند. و معمولاً با انگیزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به طور محدود و گسترده و به صورت مسلحانه یا غیرمسلحانه بین عده‌ای از افراد به وقوع می‌پیوندد و با خسارت مالی و معنوی همراه است. بنابراین، نزاع دسته‌جمعی متأثیر از نوع معیشت و مکان زندگی (روستا یا شهر) و طبقه اجتماعی افراد، میزان حاکمیت قانون و اعماد به ساختارهای حاکمیتی در حل این مسائل، تعریف نقش

و شخصیت فرد، خانواده، عشیره و قبیله و میزان وابستگی افراد به ساختار اجتماعی و سنتی، ساختار قدرت اجتماعی و فرهنگ و هویت تاریخی و اجتماعی، ارزش‌ها و اعتقادات و... است. (رضایی، ۱۳۸۹: ۴۵)

چارچوب نظری پژوهش

نزاع عبارت است از کشمکشی مشهود و مستقیماً قابل رؤیت، حداقل بین دو نفر و یا کشمکشی بین افراد یا جمعی بر سر ارزش‌ها، ادعا، وضعیت، قدرت و یا منابع کمیاب است که در آن گروه درگیر در نزاع از برتری ارزش یا ادعاهای خود حمایت می‌کنند. به زعم «مرتن و نیزبت»، شرایطی که منجر به بی‌سازمانی اجتماع در جامعه می‌شود، در درجه اول به واسطه فروپاشی هنجارهای و توقعات و در وهله دوم به تنهایی به دلیل تضاد است. نزاع عبارت است از کشمکشی مشهود و از نظر اصولی مستقیماً قابل رؤیت، حداقل بین دو نفر. (اشرف، ۱۳۸۸: ۲۱)

نزاع جمعی معمولاً در مناطقی که ساختار اجتماعی و قومی و قبیله‌ای دارند و روحیه همکاری در آن‌ها بالاست به وقوع می‌پیوندد و در نتیجه با ایجاد بین یک قوم ارزش و اعتبار یک قوم یا قبیله را بالا می‌برد لیکن با از دست رفتن عناصر فرهنگی و حتی اکثر جان‌طرفین همراه می‌گردد؛ بنابراین نزاع دسته‌جمعی متأثر از نوع معیشت و مکان زندگی (روستا یا شهر) و طبقه اجتماعی افراد؛ میزان حاکمیت قانون و اعتماد به ساختارهای حاکمیتی در حل این مسائل تعریف نقش و شخصیت فرد، خانواده، عشیره و قبیله و میزان وابستگی افراد به ساختار اجتماعی، ارزش‌ها و اعتقادات و... است. (پورافکاری، ۱۳۷۸: ۹۵)

به زعم طوافی که ناهمگون‌تر هستند، احتمال بیشتری وجود دارد که خشونت بیشتری داشته باشند. یکی از عواملی فرهنگی - اجتماعی دیگری که حریم خانواده را مورد تهدید قرار می‌دهد، فرهنگ «ناموس‌پرستی» می‌باشد که مبتنی بر حمایت از خانواده است. تهدید حریم خانواده، به معنای تهدید طایفه می‌باشد. «عموماً زمانی که شخصی آبرو، ناموس یا جاه و منزلت طرف درگیر را زیر سوال ببرد، خشونت و ستیزه‌جویی شدت می‌یابد و با نقض یا زیرپا گذاشتن اصول و مبادی اخلاقی و رسوم مبتنی بر عرف عام یا اقدامی افتراآمیز از سوی یکی از طرفین، نزاع روی دهد». (پورافکاری، ۱۳۷۷: ۷۹)

اساساً آسیب‌های اجتماعی ناشی از روابط ناسالم انسانی است که بنیان‌های جامعه را بطور جدی تهدید می‌کند و مانع تحقق نیازمندی‌ها و تقاضاهای افراد کثیری می‌گردد. به نظر می‌رسد آسیب‌های اجتماعی وقتی به وجود می‌آید که نهادهای تنظیم‌کننده روابط بین افراد با شکست روبرو شده و دچار تزلزل شوند که نتیجه‌ی آن شکل‌گیری شکاف‌های عمیق بین افراد است. در چنین وضعیتی قوانین تنظیم‌کننده‌ی روابط انسان‌ها مورد بی‌احترامی قرار می‌گیرند و متزلزل می‌شوند زیرا قانونمندی و پذیرش قانون ریشه در ساختارهای جامعه دارد و در رابطه با فرهنگ عمومی جامعه قابل بررسی است. همچنین دیکسون استدلال می‌کند، در جایی که با کمیابی منابع مواجه‌اند، فقر در بین دو گروه، به خشونت و نزاع منجر می‌شود و این منجر به مهاجرت افراد از منطقه می‌شود؛ همچنین کشورهای ثروتمند ممکن است در بخش فرهنگ قوی‌تر باشند، که در این کشورها در دهه‌های گذشته، نزاع و خشونت کمتر اتفاق افتاده است. (عبداللهی، ۱۳۷۲: ۱۸)

آمار و ارقام نشان می‌دهند که رشد ابتکارات و طرح‌پیشگیری و کاهش نزاع بین مردم در این گونه کشورها در هم تأثیر می‌گذارد؛ یعنی مردم در این گونه کشورها، بیشتر با هم در تعامل و معامله هستند تا درگیری. هر چه نابرابری بین گروه‌ها بصورت عمودی باشد، میزان بروز و درگیری بیشتر است و هر چه این نابرابری افقی‌تر شود، میزان وقوع نزاع کمتر می‌شود. در چنین بافت خویشاوندی تعصب به کار نیست، بلکه به نسبت است؛ تعلق به حرفه نیست، بلکه به خانواده عشیره است. در ساختار عشیره‌ای نظام پشتیبانی خانوادگی یکی از مهم‌ترین عناصر در زندگی بیشتر افراد به شمار می‌آید. چشم‌داشت‌های باری متقابل و مسئولیت مشترک اجتماعی و حقوقی همگی تحت تأثیر پیوندهای خویشاوندی شکل می‌گیرد. من علیه برادرم؛ من و برادرانم علیه عموزاده‌هایم؛ من و برادران و عموزاده‌هایم علیه دیگران. در جامعه‌ی عشایری نظم انضباطی مبتنی بر سلطه اجتماع و تشابه‌پذیری از نظر وجدان جمعی مانع انسجام توأم با تفکیک و تفاوت‌پذیری است. استقلال و هویت فردی تحت‌الشعاع هویت جمعی کوچک و خاص گرایانه طایفه‌ای و قبیله‌ای است. این امر دامنه‌ی اعتماد اجتماعی و انسجام جمعی را

محدود و نوآوری و تغییر را دشوار می‌سازد. سیطره‌ی اجتماع قومی- قبیله‌ای و نظم اجتماعی خود یکی از موانع توسعه و بهبود حیات اجتماعی مردم عشایر است و حقوق و تکالیف شهروندی در چنین جامعه‌ای تحت‌الشعاع تعهدات و وابستگی‌های خاص گرایانه قومی- قبیله‌ای است. خشونت در قضیه‌ی خونخواهی مطرح می‌شود، گروه‌ها یا خانواده‌ها را با جان هم می‌اندازد و انتقام‌جویی انگیزه‌ی اصلی آن‌هاست. یک خونخواهی نمونه زمانی آغاز می‌گیرد که عضوی از یک خانواده به قتل رسد یا زخمی گردد. در این زمان، خویشاوندان قربانی در صدد انتقام از این جایت برمی‌آیند و می‌کوشند قاتل یا یکی از خویشاوندان نزدیکش را به قتل برسانند. یک چنین خونخواهی در میان جوامع سنتی رخ می‌دهد. در این قبایل وقتی کسی کشته می‌شود، خویشاوندان مذکر پدر تباری‌اش به شدت احساس می‌کنند که وظیفه دارند از خویشاوندان پدرتباری قاتل انتقام بگیرند. حتی اگر مأموران دولتی قاتل را دستگیر کرده و به مجازات برسانند، باز هم خویشاوندان قربانی می‌گویند تا انتقام این قتل را بگیرند. انتقام در جوامع ابتدایی و قبیله‌ای یک واجب اخلاقی است، در صورتی که قاتل از عشیره و یا طایفه‌ی دیگر باشد، تمام افراد و خانواده‌ی مقتول حق و وظیفه دارند که قاتل را به قتل برسانند و مواردی با آنکه مجازات عمومی از طرف دولت تعیین می‌شود، آداب اخلاقی و اجتماعی انتقام گرفتن را ساقط نمی‌کند. (نایبی، ۱۳۸۸: ۶۰)

مطالعات نشان می‌دهد که عشیره‌گرایی، محرومیت اجتماعی، اختلافات قومی عامل اصلی نزاع هستند. در فرهنگ قبیله‌ای وجوه تشابه و تمایز اقوام حتی نسبت خانوادگی می‌تواند زمینه‌ی نزاع قرار گیرد؛ عشیره در طول ده‌ها پیش از پدران شکل گرفته است و نسب از علوم ضروری و اولیه‌ی هر فرد عشایر است، به گونه‌ای که پدر فرزندش را از اوان کدکی با نام اجدادش آشنا می‌کند و می‌کوشد تا آن‌ها را سلسله‌وار به حافظه‌ی فرزند بسپارد، افتخار به اجداد و نوعی کینه از دشمنان و رقبای آنان و گاه قاتلان احتمالی در قالب داستان‌های ریش‌سفیدان به نسل جدید منتقل می‌شود. عشایر نسبت به طایفه‌ی خود بسیار متعصب و از شایعه‌پردازان غیرمحللی سخت متنفرند تا آنجا که بیم قتل نیز می‌رود. در جوامع سنتی، طایفه‌گرایی و تقسیم به خودی و غیرخودی، محرومیت نسبی و... عامل تضاد اجتماعی هستند. هولمرگ با زندگی در میان مردم بدوی سیروندی در بخش شرقی بولیوی شاهد ۷۵ نوع نزاع بوده است و بیشتر این نزاع‌ها به خاطر توزیع منابع بوده است. وی همچنین در میان قبیله‌ی ساکاراتی که یک جامعه‌ی کوهستانی یونانی است، به فرهنگ جمع‌گرایی در مقابل برون گروه‌ها و نیز در میان درون گروه‌ها اشاره دارد که چوپانان با دزدیدن گوسفندان هم گروهی‌های خود برای تأمین گوشت خانواده‌شان، دست به این کار می‌زدند و در طی این اتفاقات خانوادگی گسترده و فامیل‌ها بر سر همین قضیه با یکدیگر وارد نزاع دسته‌جمعی می‌شدند و در طی این نزاع جمعی که مختص فرهنگ جمع‌گراست، قتل‌ها و خونریزی‌هایی اتفاق می‌افتاد به زعم تریاندیس منابع کمیاب از جمله؛ فرصت ماهیگیری از دریا منجر به فرهنگ جنگجویی و نزاع بین دو گروه از قبایل می‌شود. (صدیق سروستانی، ۱۳۸۵: ۱۲۴)

علت اصلی نزاع و درگیری مردم، کمیابی منابع، محرومیت نسبی، احساس نارضایتی و شکاف طبقاتی است. از عوامل مهم نزاع دسته‌جمعی، جامعه‌پذیری، محرومیت نسبی، جنسیت، در آمد و عصبیت می‌باشد. گیدنز، علت اصلی نزاع و تضاد در جامعه‌پذیری، انسجام اجتماعی و فقر می‌داند. هاولند و سیرز نیز بر این باورند که وقتی بر سر منابع کمیاب رقابت رخ می‌دهد، اعضاء گروه‌ها، یکدیگر را منبعی برای ناکامی احتمالی محسوب می‌کنند و اظهار می‌دارند که اگر دیگری به مزایا دست یابد، دیگر چیزی به من نخواهد رسید. به این ترتیب یک نگرش یا چالش ساده در میان گروه‌ها به خشونت می‌انجامد، نظریه‌ی تضاد گروهی ولد بر تضاد منافع متمرکز است، این نظریه بر دیدگاهی از سرشت انسانی مبتنی است و معتقد است که مردم بطور اساسی موجوداتی گروه درگیر هستند که زندگی‌شان بخش و محصولی از پیوندهای گروهی‌شان است. گروه‌ها از میان وضعیت‌هایی شکل می‌گیرند که در آن‌ها اعضاء، منافع و نیازهای مشترکی دارند که می‌توان آن‌ها را به بهترین شکل از طریق کنش گروهی فراهم کرد. هنگامی که منافع و هدف‌های گروه‌ها با یکدیگر همپوشانی می‌کنند و با یکدیگر تداخل می‌یابند و رقابتی شکل می‌شوند و در نتیجه گروه‌ها در تضاد با یکدیگر قرار می‌گیرند. تضاد میان گروه‌ها، وفاداری اعضاء گروه را به گروه‌های مربوط به خود توسعه می‌دهد و تشدید می‌کند. برای حفظ یا بهبود جایگاه گروه مشخص در میان گروه‌ها، جنگ ستیز کم و بیش وجود دارد. شبکه‌های اجتماعی که ماهیت غیررسمی دارند عبارت‌اند از؛ روابط رودررو بین معدود افرادی که

یکدیگر را می‌شناسند و به واسطه پیوندهای قومی و خویشی، دوستی یا همسایگی به هم وابسته هستند. شبکه‌های غیررسمی نهادهایی هستند که به معنای جامعه‌شناختی مکمل آن، کنش و واکنش‌های الگودار تکرار شونده‌اند. (ممتاز، ۱۳۸۱: ۳۵)

نظریه‌های مربوط به کشمکش و نزاع عموماً به نظریه‌های اندیشمندانی چون وبر، مارکس، دورکیم و زیمل برمی‌گردد. براساس این نظریه‌ها، دلایلی وجود دارند مبنی بر اینکه طرفین درگیر کشمکش ممکن است اهداف ناسازگار داشته باشند که از جمله آن‌ها می‌توان به طور خلاصه به موارد زیر اشاره کرد:

۱- منابع مورد منازعه؛ ۲- نقش‌های ناسازگار و ۳- ارزش‌های ناسازگار.

۱- منابع مورد منازعه:

منابع، زمانی مورد منازعه‌اند که یکی از طرفین خواهان منابعی است که دیگری در اختیار دارد یا زمانی که هر دو طرف متخاصم خواهان منابع اختصاص نیافته یکسانی هستند. این منابع می‌توانند پول، زمین، فرزندان، خیانت و سیاست باشند، ولی در کل می‌توان منابع مورد منازعه را در سه مقوله گنجانند: ثروت، قدرت و منزلت.

در مقوله ثروت، زمین اصلی‌ترین منبع مورد منازعه به شمار می‌آید. در مقوله قدرت، نابرابری قدرت و استیلای یکی بر دیگری و کشمکش برای رهایی از این استیلا مطرح است و در مقوله منزلت، آنچه کشمکش و منازعه را به دنبال خود دارد چیزی نیست جز کسب شهرت و احترام. منزلت پیوند تنگاتنگی با قدرت دارد؛ کسی که دارای قدرت است اغلب از احترام بالایی برخوردار است و کسی که از احترام بالایی برخوردار است اغلب می‌تواند کسب قدرت کند.

۲- نقش‌های ناسازگار:

طبق نظر مارکس کشمکش‌های اجتماعی وجود دارد؛ زیرا کسانی هستند که خود مالک تولید هستند و کسانی که برای چنین صاحبانی کار می‌کنند. اهداف و منافع این دو گروه ناسازگارند و لذا آن‌ها به ناچار در تقابل با یکدیگر قرار دارند. در نتیجه، مارکس ریشه‌ی کشمکش‌های اجتماعی را در مالکیت خصوصی می‌دید اما در مقابل دارندورف ریشه‌ی این کشمکش اجتماعی را در تفاوت‌های طبقاتی می‌داند.

۳- ارزش‌های ناسازگار:

گروه‌هایی که از یکدیگر جدا هستند، تمایل به توسعه‌ی فرهنگ‌های مختلف دارند که ممکن است از ارزش‌های متفاوتی دفاع کنند، یعنی معیارهایی برای درستی و خوبی که باعث قوام یک فرهنگ و جامعه می‌شود. جدایی، جدایی افراد، جدایی گروه‌ها، هویت شخصی و گروه‌ها، مفهوم ارزش در جوامع مختلف، و تمایز نقش، ریشه‌های اصلی بروز ارزش‌های ناسازگار هستند. (کلانتری، ۱۳۸۴: ۷۲)

الگوی کنترل اجتماعی هیرشی

این الگو که گاه با نام نظریه پیوند از آن یاد می‌شود، پیدایش کجروی را معلول ضعف همبستگی در گروه‌ها و نهادهای اجتماعی و نیز تضعیف اعتقادات و باورهای موجود در جامعه برمی‌شمرد. نتیجه‌ای که هیرشی از تحلیل خویش می‌گیرد آن است که جامعه یا گروهی که در میان اعضای آن وابستگی‌های متقابل و قوی، وجود داشته باشد، بیش از جامعه یا گروهی قادر به اعمال کنترل بر اعضای خود خواهد بود که اعضای آن بستگی محکمی با هم نداشته باشند. هیرشی معتقد است که چهار عنصر اصلی باعث پیوند فرد و جامعه می‌شوند: (۱) وابستگی؛ (۲) تعهد؛ (۳) درگیری؛ (۴) باورها. عنصر وابستگی، بیانگر میزان وابستگی فرد به اشخاص دیگر در خانواده، محیط و نهادهای اجتماعی است. به نظر هیرشی، کسانی که به دیگران علاقه و توجه دارند، رفاه و احساسات آنان را در نظر می‌گیرند و با احساس مسئولیت نسبت به این افراد و حفظ ارتباط با آنها عمل می‌کنند. ایشان بر همین اساس، یادآور می‌شود که افراد فاقد این وابستگی، نگران آن نخواهند بود که روابط اجتماعی آنان به خطر افتد. بنابراین بیشتر احتمال دارد که به کجروی روی آورند. تعهد از نقطه نظر هیرشی در بعد جامعه‌شناختی، مفهوم خود در روان‌شناسی را دارد. عنصر تعهد، بیانگر میزان پذیرش هدف‌های مرسوم جامعه و همچنین احساس دینی است که فرد نسبت به جامعه بر

دوش خود احساس می‌کند. به عبارت دیگر، هیرشی بر آن است نشان دهد که هر قدر فرد در محیط‌هایی مانند محیط تحصیل، اشتغال، خانه و مانند آن، نیاز بیشتری به سرمایه‌گذاری در خصوص کنش‌های موافق با جامعه احساس کند، دلیل بیشتری خواهد داشت که برای حفاظت از دستاوردهای خود با دیگران، هم‌نوا بماند و در مقابل، کسانی که نیاز کمتری به این سرمایه‌گذاری احساس می‌کنند، خطر و ضرر کمتری را نیز در ارتکاب جرم می‌بینند و حتی ممکن است در پی به دست آوردن فرصتی برای سود بردن از آن برآیند.

عصر درگیری، بیانگر میزان مشارکت افراد در نقش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی است، به نظر هیرشی، کسانی که گرفتار کار، زندگی خانوادگی، سرگرمی و ... هستند، معمولاً فرصت کمتری برای درگیر شدن در رفتارهای کجروانه دارند. در عین حال به نظر او، همین مشارکت، فرد را در معرض انواعی از اهرم‌های کنترل اجتماعی قرار می‌دهد که افراد مرتبط با او، بر او اعمال می‌کنند. به همین نحو، آشکار است کسانی که در فعالیت مرسوم و متعارف جامعه مشارکت ندارند، فرصت و آزادی عمل بیشتری نیز برای دست یازیدن به رفتارهای کجروانه می‌یابند. عنصر باور نیز بیانگر میزان اعتقاد فرد به اعتبار قواعد اخلاقی و اجتماعی، باور او نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی جامعه و وفاداری وی به آنهاست، به نظر هیرشی، اگر فردی جداً این باور را داشته باشد که درگیر شدن در گونه‌هایی خاص از رفتارها کار درستی نیست، مشارکت در آن رفتارها برای او دور از تصور خواهد بود. در مقابل، کسانی که اعتقاد و وفاداری ضعیفی نسبت به هنجارهای اخلاقی و اجتماعی دارند، ممکن است تمایل بیشتری به نادیده گرفتن آنها داشته و بیشتر به کجروی مبادرت ورزند. از دیدگاه تئوری هیرشی، نزاع جمعی مانند دیگر اشکال بزهکاری، معلول کاهش و فقدان نظارت و کنترل اجتماعی است. زمانی که کنترل اجتماعی تضعیف می‌گردد، متقابلاً یکپارچگی اجتماعی دستخوش زوال و نقصان می‌شود که این خود به کاهش اقتدار ناشی از یکپارچگی منجر شده و بالاخره در اثر آن توانایی پیشگیری موثر از بزهکاری و انحراف نقصان یافته، احتمال بروز کژ رفتاری افزایش می‌یابد. (خراطها، ۱۳۸۵: ۹۳)

«والتر رکلز» یکی دیگر از صاحب‌نظران نظریه‌ی کنترل اجتماعی است که نظریه او تحت عنوان «نظریه مهار» مطرح است که ایشان آن را در کتاب خویش تحت عنوان مسئله جرم مطرح ساخته است؛ تبیینی که گاه با نام‌هایی مانند نظریه موانع داخلی- خارجی و «نظریه کف نفس» مطرح می‌شود. به نظر رکلز، هم‌نوايي فرد با گروه و جامعه امری طبیعی است که نه براساس تمایل درونی، بلکه صرفاً از فشار و کنترل گروه سرچشمه می‌گیرد. ایشان معتقد است عضویت در گروه و روابط متقابل اجتماعی، تعیین کننده نوع رفتار افراد در شرایط خاص زندگی است. از جمله دیگر نظریه‌پردازان تئوری کنترل، فرایندی و هیگ می‌باشند که متأثر از آرای هیرشی در باب نظارت اجتماعی‌اند. آنان معتقدند که جرم‌ها غیراخلاقی بوده؛ به طوری که شکسته شدن جوامع و زوال اجتماعات را رقم می‌زنند. آنها با اشاره به نقطه نظرات هیرشی در خصوص انحراف و کنترل اجتماعی، رهیافت کنترل اجتماعی وی را پشتیبانی کرده، به تبیین واقعیت اجتماعی رفتار جزایی می‌پردازند. آنان معتقدند هیرشی بر مهم‌ترین الزامات میان جرم و نظم اجتماعی تأکید کرده است و تشخیص داده که چهار عنصر یاد شده به طور معنادار، الزاماتی را بین نوجوانان منحرف و جامعه ایجاد کرده است. وقتی که این عناصر نیرومند شوند، هم‌نوايي در سطح بالایی ایجاد خواهد شد. فرمول اصلی نظریه‌ی کنترل هیرشی به وسیله‌ی نتایج تحقیقات بسیار گسترده در همان زمان و در دوره‌های بعد توسط فرایندی و هیگ بر روی روابط متقابل نقش‌ها به عنوان اجزای عمده‌ی تعیین کننده‌ی گسترش همبستگی اجتماعی تأیید شد. تئوری هیرشی به شرح رفتارهای هم‌نوا می‌پردازد. آنان به رابطه‌ی میان توسعه‌ی خاص روابط متقابل نقش‌ها به مثابه یک جریان همبستگی اجتماعی و یا ظهور رفتار انحرافی توجه کردند. برای مثال، هر چه صمیمیت میان اعضای خانواده کاهش یابد، جرم و بزه افزایش می‌یابد. بدین وصف بین کاهش صمیمیت در روابط متقابل اعضای خانواده و میزان بزهکاری رابطه‌ی مستقیم وجود دارد. (باقری، ۱۳۸۷: ۶۰)

به نظر فرایندی، هم‌پوشانی‌ها و اشتراکات، اصلی‌ترین عامل در ایجاد صمیمیت است. اشتراک روابط متقابل، فشار نیرومندی در جهت هم‌نوايي دارد. عمده‌ترین اختلاف میان هیرشی و فرایندی این است که هیرشی معتقد بود، ساخت‌های هنجاری جامعه تقیداتی برای جوانان ایجاد می‌نماید، ولی فرایندی اظهار می‌کند که روابط متقابل بسیار زیادی در نقش‌ها وجود دارند که فاقد حوزه‌های نهادی متنوع می‌باشند، در حالی که، این روابط متقابل برقرار هستند. هیرشی و فرایندی در توسعه‌ی تئوری کنترل

اجتماعی، خود را به تعارض‌های پدیده‌های هم‌نوایی و ناهم‌نوایی یا جرم محدود کردند. معنای آن این است که وقتی هم‌نوایی حاصل شد، مطمئناً در ایجاد جرم وقفه ایجاد می‌شود. بنابراین، براساس نظریه‌های کنترل می‌توان گفت که نحوه رفتار و ویژگی‌های والدین از عوامل موثر بر آرامش و توانایی‌های فرزندان است. رفتارهای ناهنجار هر یک از والدین ممکن است بر رفتارهای فرزندان موثر واقع شود. بنابراین، اگر گاهی رفتارهای ناهنجار از سوی فرزندان نشان مشاهده می‌گردد، خود ناشی از ضعف کنترل و وجود گسست در ارتباطات سالم خانوادگی است. (نظری، ۱۳۸۶: ۴۸)

یکی از موارد تأثیرگذار دیگر بر گرایش به نزاع دسته جمعی، تمایل افراد به پرخاشگری است. پرخاشگری را می‌توان عملی تعریف کرد که هدفش اعمال صدمه و رنج است. مهم‌ترین عامل در ایجاد پرخاشگری، ناکامی است. در این تئوری (تئوری ناکامی- پرخاشگری)، پرخاشگری برآیند جریانی در نظر گرفته می‌شود که در خلال آن، افراد از دستیابی به هدف یا اهداف خویش باز می‌مانند و احساس ناکامی در آنها شکل می‌گیرد. ناکامی تنها زمانی رخ می‌دهد که فرد در دستیابی به هدفی که انتظار رسیدن به آن را دارد با شکستی پیش‌بینی نشده مواجه شود. دیدگاه‌های جدید تئوری ناکامی- پرخاشگری به این مسئله ادعان دارند که دامنه تجلی و بروز پرخاشگری در عرصه فعالیت‌های مختلف، بستگی به عواملی مانند فراوانی شکل‌گیری و بروز ناکامی، میزان رویدادهایی که منجر به ناکامی می‌شوند و... دارد. بر این اساس می‌توان گفت که یکی از علل گرایش به نزاع‌های دسته‌جمعی، ناکامی‌هایی است که فرد در زندگی خود با آنها مواجه شده، پرخاشگر شده است. یکی دیگر از موارد عوامل مهم در گرایش افراد به نزاع‌های دسته جمعی، مشاهده آن پدیده و یادگیری آن است که در مقاله حاضر از آن به عنوان تجربه عینی نزاع یاد شده است. تجربه عینی نزاع براساس تئوری یادگیری اجتماعی قابل تفسیر است. براساس تئوری یادگیری اجتماعی باندورا، رفتارهای ناهنجار، مثلاً گرایش به نزاع‌های دسته‌جمعی، زاینده یادگیری اجتماعی هستند. مشاهده رفتار ناهنجار محرکی برای افراد است تا به روش غیرمعمول رفتار نمایند. توجه به این نکته مهم است که کودکان مشاهده‌گر رفتار ناهنجار خود را محدود به تقلید صرف نمی‌کنند، بلکه انواع ناهنجارهای بدیع و جدید خلق می‌کنند. این امر دلالت بر آن دارد که تأثیر یک نمونه تعمیم پیدا می‌کند. نتیجه نهایی اینکه باندورا و همکارانش نشان داده‌اند که کودکانی که شاهد پرخاشگری بوده‌اند، بیشتر از کودکانی که در معرض چنین مشاهداتی قرار نداشته‌اند، به اعمال ناهنجار دست زده‌اند. آخرین موردی که در گرایش افراد به نزاع‌های دسته‌جمعی به عنوان متغیر مستقل مورد استفاده قرار گرفته است، قوم‌گرایی و داشتن تعصبات قومی است. بر طبق نظر یوال دیویس، قوم‌گرایی، جهان یکپارچه را دو شقه می‌کند؛ یعنی جهان ما را با جهان دیگران دا می‌سازد. این امر یعنی ایجاد گسست در جهان اجتماعی و پراکندن تخم نفاق در جامعه. قوم‌گرایی خود باعث ایجاد بسیاری از جرم‌هاست. تأیید رابطه بین قوم‌مداری و ارتکاب جرم خود دلیلی بر این مدعاست. (چلبی، ۱۳۷۳: ۲۹)

نظریه‌ی آنومی دورکیم و مرتن

ایده‌ی اصلی دورکیم در این خصوص آن بود که زندگی بدون وجود الزام‌های اخلاقی یا ضرورت‌های اجتماعی تحمل‌ناپذیر می‌شود، و در نهایت نیز به شکل‌گیری پدیده‌ی آنومی، یعنی نوعی احساس بی‌هنجاری می‌انجامد که اغلب مقدمه‌ای برای بروز کج‌روی و خودکشی است. او اشاره می‌کند که در جوامع امروزی، خواه در سطح جامعه و خواه در سطح برخی گروه‌های تشکیل دهنده‌ی آن، معیارها و هنجارهای سنتی، وضعیتی در حال تضعیف دارد، بی‌آنکه هنجارهای جدیدی جایگزین آن گردد. بر همین اساس، بی‌هنجاری در شرایطی پدید می‌آید که در حوزه‌های معینی از زندگی اجتماعی، معیارهایی روشن برای راهنمایی رفتار وجود نداشته باشد و پیامدهای آنومی نیز در شکل نوعی نابسامانی روانی و فردی، و در قالب تعارض شخصیت فردی و خودخواه انسان با شخصیت اجتماعی و دیگر خواه او متجلی می‌شود. علت آشکار تحقق آنومی نیز به نظر دورکیم، تحولات شتابان اقتصادی است؛ زیرا این تحولات، نوعی بحران را در نظام ارزشی و هنجاری جامعه به دنبال می‌آورد. بدین ترتیب، نزاع و سایر اشکال کژرفتاری‌ها در اندیشه‌ی دورکیم، معلول مکانیزم‌های معین و عوامل اجتماعی مشخص می‌باشند. اگر چه او به طور اخص بر روی نزاع تأکید نمی‌کند، آشکارا بر این اصل تأکید دارد که فقدان اجماع در باب ارزش‌های مقرر به محو و غیبت تدریجی آنورپته و ضابطه‌ی اخلاقی منجر می‌گردد و جامعه، مدیریت موثر و کنترل اجتماعی لازم بر فرد را از دست می‌دهد.

ثبات اجتماعی برخاسته از قواعد اخلاقی و نحوه‌ی مدیریت صحیح اجتماعی، منوط به چگونگی اعمال کنترل اخلاقی بر افراد یک جامعه است. از این رو فقدان چنین ضابطه‌ی کنترلی و مدیریت اخلاقی در بروز بی‌هنجاری اجتماعی از جمله نزاع نقش اساسی ایفا می‌کند. (ممتاز، ۱۳۸۱: ۳۷)

این مفهوم از نظر مرتن نیز به نارسایی فشارهای ساختی جامعه برای هم‌نوایی با ارزش‌های فرهنگی آن برمی‌گردد و بروز انحراف را ناگزیر می‌سازد. به عبارت دیگر، اگر افراد برای رسیدن به اهداف مطلوب فرهنگی، نتوانند از وسایل مناسب اجتماعی بهره بگیرند، ناچار به تأکید یک سویه بر اهداف ساختی یا ارزش‌های فرهنگی بسنده می‌کنند، یا به جای چنین تأکیدی، راه انزوا و طغیان در پیش می‌گیرند و در نهایت، در مسیر انحراف قدم می‌گذارند. رابرت مرتن، نقش بزرگی در بسط و توسعه‌ی مفهوم آنومی در جامعه‌شناسی معاصر دارد. او نظریه‌ای را وضع کرد که براساس آن، همه‌ی رفتارها، اعم از راست رفتاری یا کژرفتاری را معلول و محصول ساختارهای اجتماعی و فرهنگی دانسته است. از این نظریه با عناوینی چون بی‌سازمانی اجتماعی، نظریه‌ی فشار ساختاری، نظریه‌ی انگیزش و نظریه‌ی بی‌هنجاری یاد می‌شود، و در آن آنومی، فشاری قلمداد می‌شود که در موارد ستیز اهداف و هنجارهای پذیرفته شده در جامعه با واقعیت‌های موجود، بر افراد وارد می‌آید. حالت مبهمی در اوضاع و احوال ارتباط فرد با جامعه که در آن هنجارها یا از بین رفته یا ضعیف است، یا با هم تضاد دارند؛ وضعیتی که ارزش‌ها و اهداف مشترک را از اعضای جامعه می‌گیرد و در عین حال، سبب می‌شود که آنان دیگر رهنمودهای رفتاری و خطوط اخلاقی روشنی را برای خویش نیابند. (صالحی، ۱۳۷۱: ۴۰)

نتیجه‌ی نارسایی‌های موجود را بدین گونه می‌توان دید که در این تبیین، کج‌روی قلمداد می‌شود؛ وضعیتی که گاه به شکاف فرهنگ و ساخت اجتماعی جامعه و گسیختگی میان ابزارهای قابل دسترس و اهداف مقبول اجتماعی نیز تفسیر شده است. بدین ترتیب، در اندیشه‌ی وی، نزاع نیز چون همه‌ی صور و اشکال انحرافات و کژرفتاری‌ها زائیده‌ی ساختارهای اجتماعی و فرهنگی است. رابرت مرتن، مفهوم بی‌هنجاری را برای نشان دادن اختلاف بی‌هدف مورد تأیید جامعه و دسترسی به وسایل حصول به آن به کار می‌برد. با این توصیف، مرتن انحراف و کژرفتاری را ناشی از گسستگی و انفصال بنیادی بین هدف‌های فرهنگی و وسایل نهادی شده جهت نیل بدان‌ها می‌داند. از این رو، انحراف نه یک مسئله‌ی خاص فردی، بلکه به عنوان امری اجتماعی و برخاسته از ساخت اجتماعی است. توجه ویژه‌ی مرتن به فرهنگ‌ها و جوامعی است که تأکید بیش از حدی بر ارزش‌ها و اهداف فرهنگی دارند و در مقابل بر اسباب وصول به آن اهداف کمتر تأکید می‌کنند. از همین‌رو، به واسطه‌ی عدم تناسب بین هدف و وسیله، تشکل و یکپارچگی فرهنگی به وجود نیامده، بلکه حالتی از احساس بی‌هنجاری یا آنومی در جامعه حاکم است. آنومی به دلیل ویژگی‌هایی که گفته شد، می‌تواند باعث افزایش نزاع فردی شود؛ زیرا در چنین وضعیتی، فرد در برابر قواعد و سنجه‌های اجتماعی رفتار، سرگردان و سرگشته می‌شود و با توجه به این آشفتگی، توان پیروی از هنجارها و قواعد اجتماعی را از دست می‌دهد. به همین خاطر، امکان گرایش به نزاع در وی افزایش می‌یابد؛ بنابراین آنومی به عنوان یکی از متغیرهای مستقل در نظر گرفته شد. آلبرت کوهن انتقاداتی را به نظریه‌ی آنومی مرتن وارد کرده است. کوهن استدلال می‌کند؛ اولاً بزهکاری یک واکنش جمعی است تا فردی؛ در حالی که مرتن واکنش فرد نسبت به پایگاه اجتماعی خود را در ساختار طبقاتی مورد ملاحظه قرار می‌دهد و ثانیاً مرتن تبه‌کاری غیر سودجویانه از قبیل الواطی نوجوانان و... که پاداش مالی در بر ندارد را کمتر به حساب می‌آورد. (خراطها، ۱۳۸۴: ۷۵)

آلبرت کوهن و نظریه‌ی ناکامی منزلتی

با توجه به مطالب پیش گفته در می‌یابیم که در واقع، کوهن اصطلاح منزلت را جانشین موفقیت در نظریه‌ی مرتن می‌سازد؛ یعنی طبقات پایین در جامعه از نظر دستیابی به منزلت دچار ناکامی هستند. به سخنی دیگر، جامعه در عین حال که آنها را به کسب منزلت تشویق می‌کند، امکان دستیابی را در اختیار آنها قرار نمی‌دهد. طبقه‌ی محروم، شیوه‌های خود را برای دستیابی به منزلت پیدا می‌کند؛ بنابراین این امر، از طریق اشتغال به امور خلاف تحقق می‌یابد. بر مبنای نظر کوهن، نوجوانان و جوانان طبقه‌ی پایین، همانند هم‌تایان خود در طبقه‌ی متوسط علاقه‌مند دستیابی منزلت بالا هستند. در نتیجه جوانان طبقه‌ی پایین

که دچار ناکامی شده‌اند در منطقه‌هایی که زندگی می‌کنند، خرده‌فرهنگ‌های بزهکار را به وجود می‌آورند. در این خرده فرهنگ‌ها رقابت شکل دیگری به خود می‌گیرد و ارزش‌ها کاملاً متفاوت می‌شوند. ارزش‌ها و هنجارهای این خرده فرهنگ‌ها درست برخلاف ارزشهای طبقه‌ی متوسط است. معیار موفقیت و منزلت هم در اینجا کاملاً متفاوت است. (طهماسبی، ۱۳۷۵: ۶۶)

نظریه‌ی فضای عاطفی خانواده دوروتی لاونولث

لاونولث تلاش می‌کند تا از طریق تعیین‌کننده‌های ساختاری، رفتار نابهنجار در خانواده را تشریح کند. به گونه‌ای که می‌خواهد ارتباطی میان رفتارهای آسیب‌زایی خانواده و شکل‌گیری رفتارهای نابهنجار اعضا به دست دهد. او یادآور می‌شود که تجربیات اولیه‌ی زندگی در تعیین‌چگونگی رفتار موثر است و خانواده، اولین گروه نهادی است که زمینه و شرایط چنین تجربیاتی را فراهم می‌آورد. بنابراین توجه به روابط میان اعضای خانواده و تأثیرات متقابل این کنش‌ها در رفتار کودکان و جوانان امری مهم و قابل توجه می‌باشد. مطابق نظریه‌ی لاونولث، افراد نزاع را به عنوان یک رفتار نابهنجار در خانواده‌ای که توأم با خشونت است، می‌آموزند و یاد می‌گیرند که ستیزه‌جویی کنند. براساس این نگاه، پدیده‌ی نزاع در محیط خانواده آموخته می‌شود. (ربانی، ۱۳۸۳: ۸۱)

نظریه‌ی درون فهمی کزرفتاری دیوید ماتزا

دیوید ماتزا، درباره‌ی نظریه‌های ساختاری، خرده فرهنگی و بوم‌شناسی که می‌کوشند تا ریشه‌ها و ماهیت انحراف را به طور کلی و بویژه در بزهکاری تفسیر کنند، هشدار می‌دهد. به مومجب نظریه‌های مزبور، انحراف به وسیله‌ی نیروهای خارج از کنترل فرد به وجود می‌آید و هدایت می‌شود. فرد منحرف، تحت فشار عواملی از قبیل پایگاه اجتماعی، ساختار فرهنگی، عضویت در یک فرهنگ فرعی منحرف، یا حضور در محلی که دچار بی‌سازمانی اجتماعی است، قرار می‌گیرد و از راه راست خارج می‌شود. (میرفردی، ۱۳۸۹: ۳۰)

دیدگاه بوم‌شناسی

بوم‌شناسان با استفاده از دیدگاه بوم‌شناسی، به دو موضوع اصلی توجه داشته‌اند: اول اینکه توزیع فعالیت‌ها در فضا و زمان و در محیط شهری چگونه باعث یا مانع دستیابی به اهداف جمعی می‌شود. دوم اینکه این نحوه‌ی توزیع چگونه بر تجربه‌ی اجتماعی افرادی که در معرض آن قرار دارند، تأثیر می‌گذارد.

از دیدگاه بوم‌شناسان، کار جامعه‌شناس دریافت این مهم است که تعادل طبیعی چگونه در محیط اجتماعی حفظ می‌شود. از جمله مفاهیم اصلی که بوم‌شناسان از آن استفاده می‌کنند: همزیستی، رقابت (کوشش برای دستیابی به منابع کمیاب)، هجوم و استقرار، تعادل طبیعی و انطباق با محیط زیست است. در واقع، نظریه‌پردازان شیکاگو ازم دل بوم‌شناسی به شکل نسبتاً آزادی استفاده کرده‌اند تا تحقیقات خود را در شهر شیکاگو مطرح سازند. آنها معتقد بودند که نظم اجتماعی حاکم بر این شهر از نظر بوم‌شناسی قابل تبیین است. این نظم حاصل جریان‌های اجتماعی گوناگونی است، مثل همزیستی (روابط متقابل مفید)، مشارکت، رقابت، و تغییرات چرخشی. البته آنها در عین حال بحث می‌کردند که انسان‌ها برخلاف موجودات دیگر، توانایی فرهنگ‌سازی دارند که محدودیت‌هایی برای جریان‌های بوم‌شناسی پدید می‌آورد. این محدودیت‌ها از طریق هنجارها، آداب و رسوم و ارزش‌ها ایجاد می‌گردد. در این چارچوب، تحقیقات تجربی آنها، بر نحوه‌ی توزیع و تکرار فعالیت‌های شهری مانند تجارت، صنعت، سکونت و رفتارهای نابهنجار: خیانت، جرم، بیماری روانی و سایر رفتارهای نابهنجار می‌پردازند. (کلانتری، ۱۳۸۹: ۳۳)

نظریه‌ی محرومیت نسبی

مفهوم محرومیت نسبی توسط جودیت بلاو و پیتر بلاو بنیان نهاده شد. این دو مفاهیمی را از نظریه‌ی آنومی با الگوی بی‌سازمانی اجتماعی ترکیب کردند. براساس این نظریه، افراد متعلق به طبقات پایین، زمانی که شرایط زندگیشان را با افراد مرفه‌تر مقایسه می‌کنند، احساس محرومیت و ناخرسندی می‌کنند. از آنجایی که طبقه‌ی اقتصادی و نژادی در این افراد سبب ایجاد بی‌عدالتی و ناخرسندی می‌شود، بنابراین احساس محرومیت می‌کنند. در جامعه‌ای که نابرابری وجود دارد و به وسیله‌ی ابزارهای قانونی، موقعیت‌های پیشرفت افراد گرفته می‌شود، افراد احساس بی‌اعتمادی به جامعه می‌کنند. ناکامی مستمر که از این دسته از احساسات مربوط به عدم کفایت ناشی می‌گردد، سبب ایجاد پرخاشگری و خصوصت سرکوب شده می‌گردد و در نهایت، سبب جرم و خشونت می‌شود. بنابراین، می‌توان گفت: هر چه ارزش‌های اقتصادی و مادی در یک جامعه گسترش بیشتری یابد و هر قدر امکانات پیشرفت و ارتقای افراد و گروه‌های مرجع (یعنی گروه‌هایی که انسان خود را با آنها مقایسه می‌کند) بیشتر باشد، انتظارات انسان‌ها بالا می‌رود در چنین حالتی، اگر فرد احساس کند خود آن امکانات را ندارد، احساس محرومیت نسبی او افزایش می‌یابد. همچنین هر اندازه کوشش فرد برای دستیابی به یک ارزش بیشتر باشد، اهمیت این ارزش برایش بیشتر می‌شود و هر چه امکان دستیابی به ارزش‌های مورد نظر یا ارتقای اجتماعی افزایش یابد، احساس محرومیت نسبی افزایش می‌یابد. نقدی که بر این نظریه وارد است، آن است که آیا محرومیت نسبی، فقط مختص اقشار پایین جامعه است، یا اینکه طبقات بالای جامعه این احساس را در خود می‌یابند. به سخن دیگر، آیا محرومیت نسبی واقعاً نسبی است یا خیر؟ بر این اساس، می‌توان گفت که این احساس، هم می‌تواند در اقشار پایین جامعه و هم در اقشار بالای جامعه وجود داشته باشد. (میرمعینی، ۱۳۹۱: ۶۴)

پیشینه پژوهش

بررسی عوامل موثر بر تمایلات بالقوه به نزاع‌های دسته‌جمعی در شهرستان خداآبند

جامعه آماری این مطالعه را مردان بالای ۱۸ سال ساکن در شهرستان خداآبند تشکیل می‌دهند که به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهند که بین متغیرهای اختلافات ملکی، خانوادگی، عدم اعتماد به مراجع قضایی و انتظامی و عوامل فرهنگی-تاریخی و گرایش به نزاع دسته‌جمعی در شهرستان خداآبند رابطه معناداری وجود دارد که بر مبنای تبیین صورت گرفته از طریق رگرسیون و همچنین تحلیل مسیر، بیشترین تأثیر را به ترتیب متغیرهای اختلاف ملکی و خانوادگی و عدم اعتماد به مراجع قضایی و انتظامی بر تمایل بالقوه به نزاع‌های دسته‌جمعی داشته است.

بررسی جامعه‌شناختی عوامل موثر بر میزان گرایش به نزاع دسته‌جمعی (مورد مطالعه شهر اهواز)

پژوهش حاضر در سال ۱۳۸۸ به بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی موثر بر میزان گرایش به نزاع دسته‌جمعی در بین شهروندان شهر اهواز پرداخته است. هدف عمده تحقیق این است که تأثیر متغیرهایی از جمله احساس آنومی، احساس محرومیت نسبی، تعلق به جامعه فبیله‌ای، خاستگاه خانوادگی و... را بر میزان گرایش به نزاع دسته‌جمعی مورد بررسی قرار دهد. بر این اساس، ضمن استفاده از تئوری‌ها و نظریه‌های مرتبط با موضوع در حوزه‌های انحرافات اجتماعی، تعداد ۸ فرضیه با رویکرد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تدوین گردید. اطلاعات پژوهش با روش پیمایشی و با استفاده از تکنیک پرسشنامه از نمونه‌ای به حجم ۳۸۴ نفر که از طریق فرمول نمونه‌گیری کرجسی و مورگان تعیین شده به دست آمده است. جامعه آماری شامل کلیه افراد ۱۵ سال به بالای شهرستان اهواز می‌باشد که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده و اطلاعات گردآوری شده به کمک نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در تحلیل آماری نیز علاوه بر شیوه‌های آمار توصیفی از قبیل میانگین، درصد، واریانس و... از شاخص‌های آمار استنباطی مانند آزمون T، تحلیل واریانس، رگرسیون و... استفاده گردیده است. نتایج نشان داد: از مجموع ۸ فرضیه تنها متغیر سن، رابطه معناداری با گرایش به نزاع جمعی نداشت و سایر فرضیه‌ها دارای رابطه معناداری بودند. از مجموع متغیرهای مستقل، متغیر تعلق به جامعه قبیله‌ای بیشترین تأثیر را بر

متغیر وابسته داشته است. همچنین براساس تحلیل چند متغیره ($R^2=0/44$) که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل روی هم ۴۴ درصد واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.

بررسی عوامل تحقق نزاع فردی و دسته‌جمعی با تکیه بر نقش حاشیه‌نشینی (مطالعه موردی شهرستان سنندج)
 پژوهش حاضر از نظر نوع و هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روشن، توصیفی پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش شامل چهل و پنج نفر از افسران شاغل در فرماندهی انتظامی شهرستان سنندج می‌باشد. جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش به دو روش صورت گرفته است. از یک سو، برای تدوین ادبیات تحقیق، به روش بررسی اسنادی اقدام شده است؛ کتب و سایر منابع مربوط به مفاهیم حاشیه‌نشینی، طراحی محیطی و بزه نزاع و درگیری و نیز با بررسی دقیق پرونده‌ها و سوابق موجود در کلانتری‌ها و پاسگاه‌های شهرستان سنندج که در ارتباط با جرایم نزاع و درگیری فردی و جمعی در یک بازه زمانی پنج‌ساله (از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰) ثبت و مورد رسیدگی قرار گرفته‌اند، اطلاعات مورد نیاز به روش فیش‌برداری جمع‌آوری گردیده است. از سوی دیگر، با استفاده از یک پرسش‌نامه محقق ساخته، داده‌های مورد نیاز جمع‌آوری و این داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد سنجش و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در نتیجه می‌توان چنین بیان کرد که نزاع یک پدیده‌ی چند بعدی است که عوامل متعددی در گرایش افراد به آن دخالت دارد؛ به طوری که در شکل‌گیری آن، علاوه بر مسائل و مشکلات فردی روانی و عاطفی، مسائل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و جغرافیایی نیز نقش موثر دارد.

بررسی علل و عوامل موثر بر نزاع دسته‌جمعی در استان قزوین (مطالعه موردی زندانی‌های محبوس در زندان)
 روش به کار رفته در این مقاله، روش توصیفی از نوع پیمایشی می‌باشد. جمعیت آماری شامل مردان جوان بین سنین ۱۸ تا ۳۵ سال است که تعداد آن‌ها در زمان انجام تحقیق در زندان جوبیندر قزوین ۴۰۰ نفر بوده است. نتایج پژوهش در راستای دستیابی به هدف اولیه پژوهش، بیانگر آن است که چهار عامل اعتقاد جوانان به هنجارها، قوانین اجتماعی و مذهبی، فعالیت روزانه و تعلق خاطر به خانواده بین فرد و جامعه ایجاد پیوند می‌کنند. همچنین میزان ضعف یا قوت هر کدام از این موارد در میزان گرایش به ارتکاب جرم افراد موثر است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های تحقیق نشان می‌دهد دو متغیر درگیری و مشارکت در نقش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی و تعلق خاطر به خانواده و دیگر نهادهای اجتماعی، در گرایش به ارتکاب جرم موثر هستند. دو فرضیه دیگر تحقیق یعنی میزان اعتقاد به هنجارها و قوانین اجتماعی و مذهبی و میزان تعهد اجتماعی، رابطه همبستگی با ارتکاب جرم نداشتند.

مطالعه رابطه عوامل فرهنگی اجتماعی با نزاعهای دسته‌جمعی، قومی و قبیله‌ای در شهرستان لردگان
 هدف از این پژوهش «مطالعه رابطه عوامل فرهنگی اجتماعی با نزاعهای دسته‌جمعی، قومی و قبیله‌ای در شهرستان لردگان» بوده است. عوامل فرهنگی اجتماعی شامل: عوامل جمعیت شناختی، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، محرومیت نسبی، بی‌هنجاری (آنومی)، قوم‌گرایی، قومیت‌ها، پرخاشگری، انسجام اجتماعی، کنترل اجتماعی و پایگاه اجتماعی با نزاعهای جمعی، قومی و قبیله‌ای در قالب ۱۰ فرضیه بررسی شد. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی و جامعه‌آماري کلیه مردان و زنان بالای ۱۵ سال شهرستان لردگان ۱۱۶۴۳۶ نفر را تشکیل داد. نمونه مورد مطالعه با روش نمونه‌گیری تصادفی سهمیه‌ای از میان جامعه آماری به تعداد ۴۱۴ نفر انتخاب شد. برای جمع‌آوری داده‌های پژوهش از پرسشنامه محقق ساخته با پایایی ۰/۹۶ براساس ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. در تحلیل آماری پژوهش از شیوه آمار توصیفی (میانگین، فراوانی، درصد و نمودار) و آمار استنباطی (t تک متغیره، تحلیل واریانس، ضریب همبستگی پیرسون، اسپیرمن، دو رشته‌ای، رگرسیون چندگانه و آزمون شفه) استفاده شد. نتایج بدست آمده نشان داد که: متغیرهای «پرخاشگری»، «قوم‌گرایی»، «بی‌هنجاری» و «محرومیت نسبی» دارای رابطه معناداری مثبت و متغیرهای «کنترل اجتماعی»، «انسجام اجتماعی»، «پایگاه اجتماعی اقتصادی»، «سن»، «جنسیت» «تحصیلات» دارای رابطه معنادار معکوس و متغیرهای «تاهل» و «میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی» فاقد رابطه معنادار با گرایش به نزاعهای دسته‌جمعی، قومی و قبیله‌ای بوده‌اند و گرایش به نزاع در بین مردان و زنان متفاوت و مردان

گرایش بیشتری به نزاع جمعی داشته و همچنین میزان گرایش به نزاعهای جمعی، قومی و قبیله‌ای در بین اقوام مختلف جامعه آماری متفاوت بوده است.

بررسی عوامل اجتماعی- فرهنگی موثر بر گرایش به نزاع جمعی (مطالعه موردی شهرستان‌های منتخب استان ایلام)

روش تحقیق این پژوهش پیمایشی بوده و از جامعه آماری سه شهرستان ایلام، شیروان چرداول و ایوان (۱۵ سال و بالاتر)، ۳۸۴ نفر بر اساس فرمول کوکران به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. همچنین ابزار اندازه‌گیری این پژوهش، پرسشنامه بوده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، الف) گرایش به نزاع در بین جامعه مورد بررسی متوسط به بالا بوده، ب) از بین متغیرهای مستقل مطرح شده، تأثیر کل متغیرهای پرخاشگری و قوم‌گرایی (به میزان برابر) بر متغیر گرایش به نزاع جمعی، بیش از سایر متغیرها بوده و ج) تأثیر متغیر کنترل اجتماعی بر گرایش به نزاع جمعی، کاهشدهنده بوده است.

بررسی عوامل اجتماعی موثر در وقوع نزاع دسته‌جمعی در شاهرود

این پژوهش از نوع پیمایشی بوده و جامعه‌ی آماری آن براساس آمار ارائه شده از سوی مرکز تحقیقات کاربردی شهرستان شاهرود در مجموع سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۹۰، ۳۹۱ نفر در نزاع دسته‌جمعی مشارکت داشته‌اند و به خاطر حمایت از افساء هویت متهمین، محقق از روش نمونه‌گیری زنجیره‌ای ۹۰ نفر از افراد نزاع‌گری که در طی این دو سال به نزاع دسته‌جمعی پرداخته‌اند یافته، همچنین ابزار اندازه‌گیری این پژوهش پرسشنامه بوده است. نتایج این تحقیق نشان داد که: متغیرهای کنترل اجتماعی پلیس ($I=0/365$)، تعریف مثبت نزاع ($I=0/322$) در سطح یک درصد و فیزیک افراد ($I=0/324$) در سطح ۵ درصد معنی‌دار بود. از طرفی متغیر کنترل اجتماعی والدین ($I=0/253$) همبستگی منفی و معنی‌داری با نزاع دسته‌جمعی نشان داد. همچنین متغیرهای مستقل بازی‌های رایانه‌ای، فیلم‌سینمایی و اکشن و وضعیت اشتغال رابطه معنی‌داری با متغیر وابسته نشان ندادند.

بررسی عوامل موثر بر نزاع و درگیری فردی از دیدگاه شهروندان در سال ۱۳۹۲ (مطالعه‌ی موردی شهر خوی)

هدف از این تحقیق، بررسی عوامل موثر بر نزاع و درگیری فردی از دیدگاه شهروندان در سال ۱۳۹۲ در شهرستان خوی می‌باشد. در این پژوهش، پس از تبیین مبانی نظری، هفت عامل سن، احساس آنومی، پایگاه اجتماعی، گرایش قومی و قبیله‌ای، خاستگاه خانوادگی، محرومیت نسبی، کنترل اجتماعی برای نزاع و درگیری فردی مدل‌سازی شد که با توجه به مدل پژوهش، هفت فرضیه تدوین گردید. با توجه به ماهیت تحقیق که پیمایشی با استفاده از روش پرسشنامه‌ای می‌باشد، جامعه‌ی آماری تحقیق کلیه‌ی شهروندان شهرستان خوی به تعداد ۳۶۵۵۷۳ است. تعداد نمونه براساس فرمول نمونه‌گیری کرجسی و مورگان ۳۸۴ نفر برآورد و توزیع گردید. همچنین جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار کامپیوتری SPSS و برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون T استفاده شده است. با توجه به یافته‌های تحقیق، پنج فرضیه‌ی سن، احساس آنومی، گرایش قومی و قبیله‌ای، خاستگاه خانوادگی و کنترل اجتماعی تأیید و دو فرضیه‌ی پایگاه اجتماعی و محرومیت نسبی رد شد.

عوامل اجتماعی- فرهنگی موثر بر گرایش به نزاع طایفه‌ای (مورد مطالعه: عشایر ایل پیچیک، شهرستان اهر)

هدف اصلی پژوهش حاضر این است که چه عواملی در گرایش جوامع عشایری به نزاع طایفه‌ای تأثیرگذار است؟ روش مورد استفاده از نوع پیمایشی بوده و از طریق فرمول کوکران حجم نمونه ۲۷۰ نفر تعیین و بطور تصادفی توزیع شده است. یافته‌های استنباطی نشان می‌دهد که بین متغیرهای انسجام اجتماعی ($-0/41$)، مسئله‌ی ناموسی ($0/55$) تقسیم به گروه خودی و غیر خودی ($0/55$)، کمیابی منابع ($-0/61$)، جامعه‌پذیری ($0/48$)، معامله‌ی اجتماعی ($-0/25$) و ضعف بازدارندگی بیرونی ($-0/39$) با گرایش به نزاع طایفه‌ای معنادار و متغیر محرومیت نسبی و کنترل اجتماعی با نزاع طایفه‌ای معنادار نبوده است. ضریب همبستگی چندگانه برابر با $0/671$ و ضریب تعیین برابر با $0/421$ هست.

آیا طرح‌های در دست اجرا یا رها شده بر جرم‌زا بودن معماری در منطقه ۱ شهرداری شهر کرمانشاه مؤثر می‌باشد؟

- آیا نبود روشنایی بر جرم زا بودن معماری در منطقه ۱ شهرداری شهر کرمانشاه مؤثر می باشد؟
- آیا سطوح L و U شکل (عقب نشینی و فرو رفتگی بدنه) بر جرم زا بودن معماری در منطقه ۱ شهرداری شهر کرمانشاه مؤثر می باشد؟
- آیا (فضا های بدون کارکرد یا با کارکرد متناوب (تقسیم زمانی کار) بر جرم زا بودن معماری در منطقه ۱ شهرداری شهر کرمانشاه مؤثر می باشد؟
- آیا قلمرو بر جرم زا بودن معماری در منطقه ۱ شهرداری شهر کرمانشاه مؤثر می باشد؟
- آیا نظارت بر جرم زا بودن معماری در منطقه ۱ شهرداری شهر کرمانشاه مؤثر می باشد؟
- آیا تصویر ساختمان بر جرم زا بودن معماری در منطقه ۱ شهرداری شهر کرمانشاه مؤثر می باشد؟
- آیا کنار هم قرار گرفتن مناطق مسکونی و تأسیسات دیگر بر جرم زا بودن معماری در منطقه ۱ شهرداری شهر کرمانشاه مؤثر می باشد؟

روش پژوهش، جامعه آماری، حجم نمونه و روش اندازه گیری آن

این پژوهش از لحاظ هدف به دلیل پاسخگویی و ارائه راهکارهایی برای یک مسئله یا مشکل اجتماعی، یک پژوهش کاربردی و از لحاظ شیوه گردآوری داده ها یک پژوهش پیمایشی می باشد که جهت تدوین مبانی نظری پژوهش از روش اسنادی و کتابخانه ای و جهت گردآوری داده های میدانی و تحقیق از افراد در جامعه آماری و نمونه از پرسشنامه استفاده گردیده است. جامعه آماری این تحقیق پرسنل قضایی و انتظامی شهر کرمانشاه می باشد. حجم نمونه در این پژوهش برابر با ۱۰۰ نفر می باشد. روش نمونه گیری در این پژوهش روش نمونه گیری در دسترس می باشد. اگر پژوهشگر نتواند نمونه گیری تصادفی انجام دهد و یا به سرعت به اطلاعات مورد نظر نیاز داشته باشد از نمونه گیری در دسترس یا اتفاقی که به آن نمونه گیری اقتضایی نیز گفته می شود استفاده می کند یعنی در این روش پژوهشگر به آزمودنی هایی نیاز دارد که به سرعت در دسترس باشد. و آمادگی پاسخ به پرسش را داشته باشد. هر چند شیوه های نمونه گیری احتمالی نظیر نمونه گیری سیستماتیک نسبت به شیوه سهمیه ای از لحاظ آماری ارجحیت دارند ولی نوع پژوهش فوق منجر به استفاده از این شیوه نمونه گیری در تحقیق شده است. اطلاعات جمع آوری شده و داده های مورد نظر در ارتباط با موضوع پژوهش با روشهای خاص آماری مورد تحلیل قرار می شود تا از نتایج حاصله بهره برداری لازم صورت گیرد. بنابراین پژوهش حاضر داده های حاصله را از طریق آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. در آمار توصیفی از آماره های فراوانی، درصد، آماره های پراکندگی مرکزی و... برای توصیف اطلاعات بدست آمده، استفاده شده است. به منظور تعیین وجود یا عدم وجود رابطه بین متغیرها، برآورد و تعمیم نتایج به دست آمده از حجم نمونه به جامعه آماری از آزمون کالماگروف اسمیرانف، آزمون تی تک نمونه ای برای بررسی فرضیات استفاده شده است.

اهداف تحقیق:

هدف اصلی:

- تعیین عوامل مؤثر بر نزاع دسته جمعی و راه های پیشگیری از آن.

اهداف فرعی:

- تعیین تأثیر عوامل اجتماعی بر نزاع دسته جمعی.
- تعیین تأثیر عوامل فرهنگی بر نزاع دسته جمعی.
- تعیین تأثیر عوامل امنیتی-انتظامی بر نزاع دسته جمعی.
- تعیین تأثیر عوامل قانونی بر نزاع دسته جمعی.

سئوالات پژوهش

سئوال اصلی:

- عوامل مؤثر بر نزاع دسته جمعی کدامند؟

سئوالات فرعی:

- تا چه میزان عوامل اجتماعی بر نزاع دسته جمعی مؤثرند؟
- تا چه میزان تأثیر عوامل فرهنگی بر نزاع دسته جمعی مؤثرند؟
- تا چه میزان تأثیر عوامل امنیتی-انتظامی بر نزاع دسته جمعی مؤثرند؟
- تا چه میزان تأثیر عوامل قانونی بر نزاع دسته جمعی مؤثرند؟

یافته های پژوهش

الف) یافته های توصیفی

جدول ۱: فراوانی پاسخگویان بر حسب جنسیت

فراوانی	درصد	
۱۰۰	۱۰۰	مرد
۱۰۰	۱۰۰	جمع

جدول ۲: فراوانی پاسخگویان بر حسب سمت پاسخگویان

فراوانی	درصد	
۲۵	۲۵	پرسنل قضایی
۷۵	۷۵	کارشناسان انتظامی
۱۰۰	۱۰۰	جمع

جدول ۳: فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان تحصیلات

فراوانی	درصد	
۲۰	۲۰	فوق دیپلم
۶۳	۶۳	لیسانس
۱۷	۱۷	فوق لیسانس و بالاتر
۱۰۰	۱۰۰	جمع

جدول ۴: فراوانی پاسخگویان بر حسب سابقه خدمت

فراوانی	درصد	
۱۵	۱۵	کمتر از ۱۰ سال
۷۱	۷۱	۱۰ تا ۲۰ سال
۱۴	۱۴	بیشتر از ۲۰ سال
۱۰۰	۱۰۰	جمع

(ب) یافته‌های استنباطی

جدول ۵: آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها

متغیرها	سطح معناداری آزمون کولموگروف اسمیرنوف
عوامل اجتماعی	۰.۲۵
عوامل فرهنگی	۰.۱۲
عوامل امنیتی-انتظامی	۰.۰۹
عوامل قانونی	۰.۱۷

این آزمون به مقایسه تابع توزیع تجمعی مشاهده شده با تابع توزیع تجمعی نظری (مورد انتظار) در یک متغیر رتبه ای می پردازد. به عبارتی در این آزمون، توزیع یک صفت در یک نمونه با توزیعی که برای آن در جامعه مفروض است مقایسه می شود. چنانچه سطح معناداری در این آزمون از ۰/۰۵ بزرگتر باشد می توان استنباط نمود که توزیع نرمال است. و می توان در این پژوهش از آزمون های پارامتریک استفاده شود. با توجه به آزمون فوق و سطح معناداری همه متغیرها که بیشتر از ۰/۰۵ است، می توان استنباط نمود که: که همه متغیرها از توزیع نرمال پیروی می کنند.

آزمون تی تک نمونه ای برای بررسی فرضیه شماره ۱: " به نظر می رسد عوامل اجتماعی در کاهش و پیشگیری از نزاع های دسته جمعی مؤثر می باشد "

جدول ۶: آزمون T برای بررسی فرضیه شماره ۱

جدول آماره های توصیفی				متغیر
تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف استاندارد	عوامل اجتماعی
۱۰۰	۳.۶۰	۰.۲۰	۰.۰۳	
جدول آماره های استنباطی				نتیجه کلی آزمون
آزمون t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین ها	
۷.۲۵	۹۹	۰.۰۰۰۱	۰.۶۰	
تأیید فرضیه				

با توجه به آزمون فوق چون مقدار سطح معناداری در جدول آزمون t برابر با ۰/۰۰۰۱ می باشد و این مقدار از سطح معناداری ۰/۰۵ کوچکتر است، و به عبارت دیگر چون مقدار آماره تی برابر با (۷/۲۵) و بزرگتر از مقدار (۱/۹۶) می باشد، فرضیه فوق تأیید می شود و می توان نتیجه گرفت که: عوامل اجتماعی در کاهش و پیشگیری از نزاع های دسته جمعی مؤثر می باشد. جدول آزمون تی نشان می دهد که میانگین اکتسابی نمونه برابر با ۳.۶۰ می باشد که از میانگین جامعه (۳) با اختلاف ۰/۶۰ بالاتر از حد متوسط گزارش شده است.

آزمون تی تک نمونه ای برای بررسی فرضیه ۲ " به نظر می رسد عوامل فرهنگی در کاهش و پیشگیری از نزاع های دسته جمعی مؤثر می باشد "

جدول ۷: آزمون T برای بررسی فرضیه شماره ۲

جدول آماره‌های توصیفی					متغیر
تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف استاندارد		عوامل فرهنگی
۱۰۰	۳.۷۲	۰.۷۰	۰.۰۴		
جدول آماره‌های استنباطی					
آزمون t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین‌ها	حد پایین / حد	نتیجه کلی آزمون
۹.۲۰	۹۹	۰.۰۰۰۱	۰.۷۲	۰.۲۰ / ۰.۰۱	
تأیید فرضیه					

با توجه به آزمون فوق چون مقدار سطح معنا داری در جدول آزمون t برابر با $0/0001$ می باشد و این مقدار از سطح معناداری $0/05$ کوچکتر است، و به عبارت دیگر چون مقدار آماره تی برابر با $(9/20)$ و بزرگتر از مقدار $(1/96)$ می باشد، فرضیه فوق تأیید می شود و می توان نتیجه گرفت که: عوامل فرهنگی در کاهش و پیشگیری از نزاع‌های دسته جمعی مؤثر می باشد. جدول آزمون تی نشان می دهد که میانگین اکتسابی نمونه برابر با 3.72 می باشد که از میانگین جامعه (3) با اختلاف $0/72$ بالاتر از حد متوسط گزارش شده است.

آزمون تی تک نمونه ای برای بررسی فرضیه ۳" به نظر می رسد عوامل امنیتی-انتظامی در کاهش و پیشگیری از نزاع‌های دسته جمعی مؤثر می باشد "

جدول ۸: آزمون T برای بررسی فرضیه شماره ۳

جدول آماره‌های توصیفی					متغیر
تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف استاندارد		عوامل امنیتی-انتظامی
۱۰۰	۳.۹۵	۰.۳۲	۰.۰۱		
جدول آماره‌های استنباطی					
آزمون t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین‌ها	حد پایین / حد	نتیجه کلی آزمون
۱۲.۲۰	۹۹	۰.۰۰۰۱	۰.۹۵	۰.۶۳ / ۰.۱۵	
تأیید فرضیه					

با توجه به آزمون فوق چون مقدار سطح معنا داری در جدول آزمون t برابر با $0/0001$ می باشد و این مقدار از سطح معناداری $0/05$ کوچکتر است، و به عبارت دیگر چون مقدار آماره تی برابر با $(12/20)$ و بزرگتر از مقدار $(1/96)$ می باشد، فرضیه فوق تأیید می شود و می توان نتیجه گرفت که: عوامل امنیتی-انتظامی در کاهش و پیشگیری از نزاع‌های دسته جمعی مؤثر می باشد. جدول آزمون تی نشان می دهد که میانگین اکتسابی نمونه برابر با 3.95 می باشد که از میانگین جامعه (3) با اختلاف $0/95$ بالاتر از حد متوسط گزارش شده است.

آزمون تی تک نمونه ای برای بررسی فرضیه ۴" به نظر می رسد عوامل قانونی در کاهش و پیشگیری از نزاع‌های دسته جمعی مؤثر می باشد "

جدول ۹: آزمون T برای بررسی فرضیه شماره ۴

جدول آماره‌های توصیفی				متغیر
تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف استاندارد	عوامل قانونی
۱۰۰	۳.۸۸	۰.۳۹	۰.۰۳	
جدول آماره‌های استنباطی				نتیجه کلی آزمون
آزمون t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین‌ها	
۱۰.۳۳	۹۹	۰.۰۰۰۱	۰.۸۸	
تأیید فرضیه				

با توجه به آزمون فوق چون مقدار سطح معنا داری در جدول آزمون t برابر با $0/0001$ می باشد و این مقدار از سطح معناداری $0/05$ کوچکتر است، و به عبارت دیگر چون مقدار آماره تی برابر با $(10/33)$ و بزرگتر از مقدار $(1/96)$ می باشد، فرضیه فوق تأیید می شود و می توان نتیجه گرفت که: عوامل قانونی در کاهش و پیشگیری از نزاع‌های دسته جمعی مؤثر می باشد. جدول آزمون تی نشان می دهد که میانگین اکتسابی نمونه برابر با 3.88 می باشد که از میانگین جامعه (3) با اختلاف $0/88$ بالاتر از حد متوسط گزارش شده است.

جدول ۱۰: آزمون فریدمن برای بررسی و رتبه بندی عوامل مؤثر بر نزاع دسته جمعی

رتبه	متغیر
۴	عوامل اجتماعی
۳	عوامل فرهنگی
۱	عوامل امنیتی-انتظامی
۲	عوامل قانونی

جدول ۱۱: آزمون فریدمن

تعداد	۱۰۰
درجه آزادی	۳
سطح معناداری	$0/0001$

با توجه به نتایج آزمون فریدمن رتبه بندی مؤثر بر نزاع دسته جمعی به ترتیب عبارتند از:

۱. عوامل امنیتی-انتظامی
۲. عوامل قانونی
۳. عوامل فرهنگی
۴. عوامل اجتماعی

نتیجه گیری و پیشنهادها

الف) نتیجه گیری

در جوامعی که نابرابریهای اقتصادی و اجتماعی شدت زیادی دارد، ارزشهای مشترک بین افراد با تضعیف جدی روبه‌رو می‌شود. در این حالت وضعیت تهاجمی و اعتماد به نفس پایین افراد، محرک‌هایی مانند الکل و موادمخدر را قدرت‌مند می‌سازد و افراد سعی می‌کنند اختلافات خود را از طریق اعمال خشونت برطرف سازند. «از سوی دیگر نرخ بالای جرم و افزایش مستمر آن باعث می‌شود تا میزان خرید اسلحه نیز افزایش یابد و این موضوع خود امکان ارتکاب جرم را باز هم افزایش می‌دهد به طوری که حتی‌الامکان تهاجم به سیستم‌های قضایی نیز بالا می‌رود و ارزش‌های اجتماعی با افول جدی روبرو می‌شود و در چنین حالتی حتی ممکن است فرهنگ جرم و جنایت قبح و زشتی خود را از دست بدهد و به نوعی تلاش برای احقاق حق تفسیر گردد».

در واقع اهمیت نزاع و درگیری از یک سو به این دیدگاه نزد مجرمین مربوط می‌شود که آن‌ها در جهت احقاق حقوق از دست رفته خود سعی در به دست آوردن آن به هر طریق ممکن دارند و از سوی دیگر وقوع این گونه در جامعه امنیت اجتماعی را به مخاطره می‌اندازد و احساس ناامنی را افزایش می‌دهد. جرائم خشن هزینه‌های گوناگونی را بر جامعه تحمیل می‌کند. اگر چه قتل و حمله‌های شدید بخش اندکی از جرم‌ها را شامل می‌شوند، اما حجم قابل ملاحظه‌ای از هزینه‌های روانی، مالی و اجتماعی را که جامعه می‌پردازد به همین جرائم مربوط می‌شود. بنابراین در دنیای امروزی پدیده نزاع و درگیری در شهرهای صنعتی مانند استان قزوین و برخی از شهرهای صنعتی نظر هر فردی را به خود جلب می‌کند، فراوانی این پدیده در شهر قزوین در سال ۱۳۹۰ بیانگر آن است که هر شهروندی ممکن است در محیط خانواده، مکان‌های خصوصی، مکان‌های عمومی و حتی به هنگام عبور از سطح خیابان با پدیده نزاع و درگیری به طور مستقیم و یا غیرمستقیم مواجه شود که در این درگیری‌ها آلات و ادوات مجرمانه و حتی سلاح گرم نیز مورد استفاده قرار گرفته و در مواردی نیز منجر به قتل و برخی دیگر از پیامدهای نزاع و درگیری می‌شود. از سوی دیگر افزایش روز افزون نزاع و درگیری در شهرهای صنعتی موجبات نگرانی‌های اجتماعی در زمینه ترویج رفتار خشونت‌بار در جامعه، سلب امنیت اجتماعی، برهم خوردن نظم اجتماعی، فرسایش سرمایه اجتماعی و تبدیل همبستگی اجتماعی به گسستگی اجتماعی و همکاری و همیاری به ستیز شده است. چهار عامل اعتقاد جوانان به هنجارها، قوانین اجتماعی و مذهبی، فعالیت روزانه، تعلق خاطر به خانواده وجود دارد که بین فرد و جامعه پیوند ایجاد می‌کند.

پس از تجزیه و تحلیل آماری پرسشنامه‌ها نتایج زیر را می‌توان از آن استنباط نمود:

با توجه به آمار توصیفی می‌توان چنین نتیجه گرفت که:

توزیع جنسیت پاسخگویان در این پژوهش حاکی از آنست که: ۱۰۰ درصد مرد بوده‌اند. توزیع سمت پاسخگویان در این پژوهش حاکی از آنست که: ۲۵ درصد پرسنل قضایی و ۷۵ درصد نیز کارشناسان انتظامی بوده‌اند. توزیع میزان تحصیلات پاسخگویان در این پژوهش حاکی از آنست که: ۲۰ درصد از پاسخگویان میزان تحصیلات خود را فوق دیپلم، ۶۳ درصد لیسانس و ۱۷ درصد میزان تحصیلات خود را فوق لیسانس و بالاتر گزارش نموده‌اند. توزیع سابقه خدمت پاسخگویان در این پژوهش حاکی از آنست که: ۱۵ درصد از پاسخگویان دارای سابقه خدمت کمتر از ۱۰ سال، ۷۱ درصد بین ۱۰ تا ۲۰ سال و ۱۴ درصد نیز سابقه خدمت خود را بیشتر از ۲۰ سال گزارش نموده‌اند.

با توجه به آمار استنباطی می‌توان چنین نتیجه گرفت که:

از مجموع ۴ فرضیه‌ای که در این پژوهش مورد بحث و بررسی واقع شده است کلیه فرضیه‌ها تأیید شده است.

فرضیات پژوهش:

- عوامل اجتماعی در کاهش و پیشگیری از نزاع‌های دسته جمعی مؤثر می‌باشد.
- عوامل فرهنگی در کاهش و پیشگیری از نزاع‌های دسته جمعی مؤثر می‌باشد.
- عوامل امنیتی-انتظامی در کاهش و پیشگیری از نزاع‌های دسته جمعی مؤثر می‌باشد.
- عوامل قانونی در کاهش و پیشگیری از نزاع‌های دسته جمعی مؤثر می‌باشد.

نتیجه فرضیه اول:

این فرضیه تأیید شده است. با توجه به آزمون تی تک نمونه ای که برای بررسی این فرضیه استفاده شده است، عوامل اجتماعی در کاهش و پیشگیری از نزاع‌های دسته جمعی مؤثر می‌باشد. میانگین اکتسابی نمونه برابر با ۳.۶۰ می‌باشد که از میانگین جامعه (۳) با اختلاف ۰/۶۰ بالاتر از حد متوسط گزارش شده است.

نتیجه فرضیه دوم:

این فرضیه تأیید شده است. با توجه به آزمون تی تک نمونه ای که برای بررسی این فرضیه استفاده شده است، عوامل فرهنگی در کاهش و پیشگیری از نزاع‌های دسته جمعی مؤثر می‌باشد. میانگین اکتسابی نمونه برابر با ۳.۷۲ می‌باشد که از میانگین جامعه (۳) با اختلاف ۰/۷۲ بالاتر از حد متوسط گزارش شده است.

نتیجه فرضیه سوم:

این فرضیه تأیید شده است. با توجه به آزمون تی تک نمونه ای که برای بررسی این فرضیه استفاده شده است، عوامل امنیتی-انتظامی در کاهش و پیشگیری از نزاع‌های دسته جمعی مؤثر می‌باشد. میانگین اکتسابی نمونه برابر با ۳.۹۵ می‌باشد که از میانگین جامعه (۳) با اختلاف ۰/۹۵ بالاتر از حد متوسط گزارش شده است.

نتیجه فرضیه چهارم:

این فرضیه تأیید شده است. با توجه به آزمون تی تک نمونه ای که برای بررسی این فرضیه استفاده شده است، عوامل قانونی در کاهش و پیشگیری از نزاع‌های دسته جمعی مؤثر می‌باشد. میانگین اکتسابی نمونه برابر با ۳.۸۸ می‌باشد که از میانگین جامعه (۳) با اختلاف ۰/۸۸ بالاتر از حد متوسط گزارش شده است.

و با توجه به نتایج آزمون فریدمن رتبه بندی مؤثر بر نزاع دسته جمعی به ترتیب عبارتند از:

۱. عوامل امنیتی-انتظامی
۲. عوامل قانونی
۳. عوامل فرهنگی
۴. عوامل اجتماعی

ب) پیشنهادها

- تلاش در جهت کاهش احساس محرومیت نسبی از طریق توزیع عادلانه امکانات و ثروت.
- پوشش انتظامی بیشتر و مناسب‌تر برخی مناطق با ایجاد پاسگاه‌ها و ایستگاه‌های انتظامی.
- تعامل بیشتر نیروی انتظامی با مردم و ارائه آموزش‌های همگانی توسط عوامل اجتماعی مستقر در کلانتری‌ها و آگاه‌سازی مردم و جوانان نسبت به تبعات نزاع‌ها و توجیه آن‌ها.
- تقویت عوامل کنترل کننده رسمی و غیررسمی از قبیل شوراهای حل اختلاف.
- حضور به موقع و سریع عوامل نیروی انتظامی در صحنه و همچنین استفاده از نیروی با تجربه و دارای نگرش جامعه محور در مواجهه با نزاع‌های جمعی به منظور کنترل سریع‌تر و بهتر نزاع‌ها و بالابردن اعتماد مردم به توانمندی پلیس.
- رسیدگی سریع و خارج از نوبت به پرونده‌های نزاع‌های جمعی و استفاده از عوامل بازدارنده قوی از قبیل اعمال جریمه‌های معنوی و مادی سنگین که این امر تعامل هر چه بیشتر مقامات قضایی شهرستان با پلیس را ایجاب می‌کند.

- برای افزایش تعلق خاطر، وفاداری و احساس مسئولیت جوانان، بسترهای لازم برای مشارکت و تعامل آنان با مسئولین نهادهای مختلف فراهم گردد که این امر موجب افزایش امنیت اخلاقی و سلامت اجتماعی شده و کاهش ناهنجاریهای اجتماعی را به همراه دارد.
- سازمان زندان‌ها با همکاری نهادهای آموزشی، دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای متناسب با طول دوره محکومیت زندانیان را برگزار نماید.
- نظارت بر تولید و کیفیت کالاهای فرهنگی و رسانه‌های جمعی مانند کتب، مجلات، فیلم‌ها و اینترنت به منظور جلوگیری از تولید و ترویج آثار فرهنگی مخرب موثر در تهییج جوانان به مسائل غیراخلاقی و عدم رعایت عفاف.
- برنامه‌ریزی علمی و منطقی برای نحوه‌ی گذران اوقات فراغت و تفریح مردم به خصوص جوانان شهرستان برای کاهش نزاعهای جمعی و درگیری‌های قومی و قبیله‌ای.
- تلاش و برنامه‌ریزی به منظور ارتقاء سطح امنیت اجتماعی.
- آموزش به کودکان و نوجوانان در محیط‌های آموزشی و مدارس، آشنا کردن آنها با معضلات و پیامدهای مرتبط با نزاع دسته‌جمعی و عضویت در گروه‌های بزهکار.
- آموزش افراد جامعه نسبت به حل و فصل مسأله نزاع و نحوه‌ی آرام کردن افراد جهت کاهش پیامدهای آن همانند: انتقام‌جویی، نزاع‌های دنباله‌دار، تخریب اموال طرفین نزاع و...
 - تهیه فیلم مستند از صحنه‌های دلخراش نزاع و درگیری.
 - تهیه فیلم مستند از نحوه‌ی برخورد با مجرمین و افراد نزاع‌گر.
- نصب و راه‌اندازی دوربین‌های نظارتی در نقاط مختلف سطح شهر (سر چهارراه‌ها، میداين، خیابان پرازدحام، مکان‌های تفریحی و ورزشی و مراکز خرید و...).
- تصویب قوانین مرتبط برای حمایت از افسران و نیروهای پلیس در برابر افراد نزاع‌گر و حمایت همه جانبه قانون از افسران پلیس در برخورد با عاملین نزاع.
 - تلاش در جهت جمع‌آوری سلاح‌های سرد مورد استفاده سرنشینان وسایل نقلیه شخصی و عمومی.
 - شناسایی افراد شرور و نزاع و برخورد قاطع و قانونی با این افراد در مجامع قانونی.
 - انجام پروژه‌های تحقیقاتی در زمان‌های معین برای شناسایی عوامل جرم‌زا در سطح استان.

منابع

۱. اشرف، ا (۱۳۹۰)، کژ رفتاری، مسائل اجتماعی و آسیب‌شناسی. تهران: انتشارات آموزشگاه عالی خدمات، انتشارات سمت.
۲. باقری، قادرزاده (۱۳۸۷). آسیب‌شناسی منازعه، یاسوج: دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان کهگیلویه و بویراحمد.
۳. پورافکاری، ن (۱۳۷۸). پرخاشگری و فرهنگ. مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، جلد دهم، شماره ۱ و ۲.
۴. پورافکاری، نصرالله (۱۳۸۳). نزاع‌های جمعی محلی، مجموعه مقالات اولین همایش ملی طرح مسایل جامعه‌شناسی ایران، تهران: انتشارات علامه طباطبایی.
۵. چلبی، م، عبدالهی، م (۱۳۷۳). طرح تحقیق توصیف و تبیین جامعه‌شناختی نزاعهای جمعی در استان لرستان. استانداری لرستان.
۶. خراطها، سعید (۱۳۸۵). بررسی علل و عوامل جامعه‌شناختی بروز نزاع و درگیری و پیامدهای آن در شهر تهران، طرح پژوهش منتشر نشده، تهران: معاونت اجتماعی و ارشاد ناجا.
۷. خراطها، سعید و جاوید، نورمحمد (۱۳۸۴). «نزاع و درگیری در شهر»، فصلنامه‌ی مطالعات امنیت اجتماعی، معاونت اجتماعی ناجا، تهران سال دوم، شماره‌ی ششم و هفتم.

۸. ربانی، رسول؛ عباس‌زاده، محمد و نظری، جواد. (۱۳۸۳). «بررسی عوامل اجتماعی- فرهنگی موثر بر گرایش به نزاع جمعی (مطالعه مورد شهرستان‌های منتخب استان ایلام)»، فصلنامه علمی- پژوهشی انتظام اجتماعی، سال اول، شماره سوم.
۹. رضایی کلواری، نورالله و بحرینی، مجید (۱۳۸۹)؛ «مطالعه‌ی رابطه‌ی عوامل فرهنگی اجتماعی با نزاع‌های دسته‌جمعی، قومی و فبیل‌های در شهرستان لردگان»، فصلنامه‌ی مطالعات امنیت اجتماعی، معاونت اجتماعی ناجا، شماره‌ی بیست و دوم.
۱۰. رضائیان، علی (۱۳۸۹). «تحلیل جامعه‌شناسی نزاع جمعی در شهرستان دلفان»، دلفان: دانشگاه پیام نور.
۱۱. صالحی، ح (۱۳۷۱). نگرشی بر نزاع‌های دسته‌جمعی در استان چهارمحال و بختیاری، معاونت سیاسی و امنیتی استانداری چهارمحال و بختیاری.
۱۲. صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۳)؛ آسیب‌شناسی اجتماعی جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، تهران: انتشارات آن.
۱۳. طهماسبی، علیرضا (۱۳۷۵). طرح بررسی روش‌های حل منازعات قومی منجر به قتل در بین عشایر ایل تبار ایلام: شورای پژوهشی اداره‌ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۴. عبداللهی، محمد و چلبی، مسعود (۱۳۷۲). طرح توصیف و تبیین جامعه‌شناختی نزاع‌های دسته‌جمعی در استان لرستان، وزارت کشور: استانداری استان لرستان.
۱۵. عبداللهی، محمد و چلبی، مسعود (۱۳۷۳). طرح تحقیق توصیف و تعیین جامعه‌شناختی نزاع جمعی در استان لرستان، استانداری لرستان.
۱۶. کلانتری، صمد؛ ربانی، رسول و صداقت، کامران (۱۳۸۴). «ارتباط فقر با قانون‌گریزی و شکل‌گیری آسیب‌اجتماعی»، فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره‌ی ۱۸.
۱۷. کلانتری، محسن؛ فزلباش، سمیه و جباری، کاظم. (۱۳۸۹). «تحلیل فضایی بزهکاری شهری با استفاده از مدل تخمین تراکم کرنل مورد مطالعه: جرایم شرارت، نزاع و درگیری در شهر زنجان»، فصلنامه نظم و امنیت اجتماعی، سال دوم، شماره سوم.
۱۸. ممتاز، فریده (۱۳۸۱). انحرافات اجتماعی، دیدگاه‌ها و نظریه‌ها، تهران: شرکت سهامی انتشارات، چاپ اول.
۱۹. میرمعینی، طاهره و مرتضی، علیرضا (۱۳۹۱). «بررسی عوامل اجتماعی موثر در وقوع نزاع دسته‌جمعی در شاهرود»، فصلنامه‌ی دانش انتظامی سمنان، سال دوم، شماره‌ی ششم زمستان.
۲۰. میرفردی، اصغر؛ احمدی، سیروس و صادق‌نیا، آسیه. (۱۳۸۹). میزان گرایش به نزاع جمعی در میان مردان ۱۵ تا ۶۵ سال شهرستان بویراحمد و عوامل اجتماعی- فرهنگی تأثیرگذار بر آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه یاسوج.
۲۱. نایی، هوشنگ و جسور خواجه، تقی (۱۳۸۸). «ریشه‌یابی نزاع‌های دسته‌جمعی (روستاهای کویچ و افشرد آذربایجان شرقی)»، مجله توسعه روستایی، دوره اول، شماره ۱.
۲۲. نایی، هوشنگ و جسور خواجه، تقی (۱۳۸۸). «ریشه‌یابی نزاع‌های دسته‌جمعی (مورد مطالعه: روستای کوچ و افشرد از توابع خواجه در استان آذربایجان شرقی)»، مجله‌ی توسعه روستایی، دوره‌ی اول، شماره‌ی ۱، پاییز و زمستان.
۲۳. نظری، ج (۱۳۸۶). بررسی جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی فرهنگی موثر بر نزاع‌های جمعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان.

Investigating the Factors of Collective Conflict and its Prevention (Case Study: Kermanshah City, 2017)

Ayatolah Parvizi Fard¹, SAhar Amiri²

1. *Assistant Professor and Faculty Member of Islamic Azad University, Kangavar branch (responsible author)*

2. *M.A in Criminal Justice and Criminology, Islamic Azad University, Kangavar Branch*

Abstract

Quarrel and conflict are one of the examples of violence in societies and is a social phenomenon which is seen more or less in all periods. In the past, this phenomenon has been the cause of the survival of many people, societies, civilizations and cultures. This issue and how it has been used in the past in matters such as defending water, soil, dignity, culture, civilization, and non-humanity has been proposed. Today, collective conflict is considered as one of the most important indicators of the existence of violence in society, occurring among people, and victims every year on the basis of statistics and statistics. Research method in this research is a survey method using a questionnaire and is a part of applied research. The statistical sample of this research is 100 lawyers, police experts in Kermanshah city who responded to the questionnaire in this research. The findings of this research show that: security, law enforcement, cultural factors and social factors are the factors that affect the collective conflicts, respectively.

Keywords: Conflict, collective conflict, Kermanshah city
